



۲۰۱۸/۱۲/۱۷

نادر شاه سدوزی

آیا مرحوم عبدالمجید خان زابلی یک کمونیست دو آتشه بود؟



قابل یاد آوریست که در دوران ما کمتر اشخاصی هستند که در جهت آبادی وطن، لیاقت، استعداد و دارایی خود را فدای مملکت کنند. این شخصیت بزرگوار مرحوم عبدالمجید خان زابلی است که در آبادی و پیشرفت اقتصادی مملکت با وصف تمام مشکلات سیاسی جانفشانی زیادی نموده که قابل قدر و ستایش می باشد. قضاوت بد در باره ایشان دور از انصاف است.

فکر می کنم که در باره مفکوره آن مرحوم باید از صداقت کار گرفت. عبدالمجید خان زابلی مؤسس و بنیانگذار برجسته اقتصاد ملی کشور بود و است. نباید نظریات آن مرحوم را با بی اعتنایی و قضاوت بیجا نگریم و از دیدگاه مارکسیزم مورد انتقاد قرار داد.

مرحوم یک دانشمند برجسته اقتصاد ملی وطن بود که افکارش با ایدولوژی مارکسیزم سازگاری نداشته و ایشان مفکوره های وارداتی سوسیالیزم - کمونیزم را یگانه وسیله بدبختی، بربادی و نابودی مملکت تلقی نموده در تضاد و مخالفت شدید با آن قرار داشت. بنا برین وی توسعه و پیشرفت اقتصاد و آبادی مملکت را به سبک مدرن عصر حاضر وابسته به پیشرفت و سرمای گذاری تشبیهات خصوصی می دانست.

من در اینجا چند گفتار ایشان را از رساله ای به نام «یادداشت های عبدالمجید خان زابلی» که توسط محترم «وحید مزده» تهیه و ترتیب گردیده نقطه به نقطه نقل می کنم.

جناب شان چنین می فرمایند: موقعیکه اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید در افغانستان زمام امور را به دست گرفت من در آلمان مصروف کارهای شخصی و تجارتي خود بودم. تلگرامی از جانب مقامات مربوطه برایم رسید و در آن تذکر رفته بود تا هر چه زودتر به کابل مراجعت کنم و امور اقتصادی مملکت را بدست بگیرم.

با دریافت این تلگرام از راه هرات داخل کشور شدم و نخستین ملاقات من در هرات با جمعی از تجار هرات بود که آنها با برنامه های من برای ریختن شالوده یک زیر بنای مدرن برای اقتصاد افغانستان نظر مساعد دادند و به این

ترتیب به کمک تجار ملی در هرات، قندهار، کابل و سایر نقاط کشور در اسرع وقت امکان تجمع مبلغ پنج ملیون افغانی سرمایه فراهم آمد و دولت نیز با پرداخت دو ملیون افغانی در این پروسه سهم گرفت.

ما با هفت ملیون افغانی سرمایه در سال «۱۳۱۱ هجری شمسی» کار را آغاز کردیم که بدون کمک خارجی و فقط فراهم آمده از منابع داخلی بود. با همین سرمایه تا سال ۱۳۲۱ یعنی در مدت ده سال کارهای بزرگی انجام گرفت. وضع در آن زمان طوری بود که در اثر دوران خونین سقوی افغانستان تمام توان و امکان مالی و اقتصادی خود را از دست داده بود. خزانه دولت خالی و تمام پس اندازها از بین رفته بود. ذخائر اسلحه به تاراج رفته و تمام دفاتر و وزارت خانه ها مورد چپاول قرار گرفته بود. در قسمت تجارت خود تجار افغانی در عرصه داد و ستد خارجی اصلاً توان عرض وجود را نداشتند. در آن زمان تصمیم به ایجاد ریفورم توسط اعلیحضرت محمد نادر شاه در عرصه اقتصادی کشور به قسمی گرفته شده بود که هنوز آتش نا امنی و اغتشاش در کشور فروکش نکرده بود. اغتشاش کوهستان، اندر، تره کی، ابراهیم بیک، دری خیل و سلیمانخیل مملکت را ضعیف ساخته بود. تا آغاز جنگ جهانی دوم هفده شورش صورت گرفت ولی این شورش ها مانع اجرای ریفورم اقتصادی نگردیده و هر چند خود شاه افغانستان در آغاز ریفورم به شهادت رسید ولی راهی که او برای ایجاد یک تحول بنیادی در وضع اقتصادی کشور و بیرون آوردن مملکت از وضع قرون وسطائی مشخص نموده بود مدت ده سال پس از وی پی گرفته شد و تحولات بسیار عمیقی را در عرصه اقتصادی مملکت موجب گردید.

در طول این ده سال دولت و بخش خصوصی دست به دست هم دادند و با هفت ملیون افغانی سرمایه که پنج ملیون از بخش خصوصی و دو ملیون از بخش دولتی بود تحول بزرگ اقتصادی را به شرح ذیل در کشور به وجود آوردند.

- بانک ملی تأسیس شد و به دنبال آن د افغانستان بانک به وجود آمد.
- زراعت پنبه از صفر شروع شد،
- توسعه قره قل و روده در اثر تلاش تشبث خصوصی «که از جمله پدر کلان این جانب مرحوم شهزاده عبدالعزیز خان سدوزی» در این فعالیت سهم به سزای داشتند به پیشرفت قابل ملاحظه دسترسی پیدا کرد.
- صنعت نساجی ایجاد شد، کارخانه قند سازی بغلان تأسیس گردید،
- پشمینه بافی قندهار به کار انداخته شد،
- و اولین کارخانه سمنت سازی در کشور بکار انداخته شد.
- همچنان کارخانه های برق چک وردک، سروبی و پلخمری به وجود آمد.
- تجارت خارجی کشور از شهرهای سرحدی به مراکز تجارتي اروپا و امریکا کشانیده شد و شعب متعدد بانکی و اداره تجارت خارجی در اروپا و امریکا و هند و پاکستان دایر گردید.
- برای اولین بار سیستم مالیات بر عایدات در مملکت روی کار آمد که عایدات دولت را تقویه نمود.

برای رفع نیازمندی کشور به آرد، برای اولین بار قرارداد خرید آرد با امریکا عقد گردید. به تعقیب آن بانک ملی مؤسسات خیریه ذیل را به وجود آورد.

○ مؤسسه انجمن نسوان،

- مؤسسه حمایتی اطفال،
- مؤسسه مجادله ملاریا و امداد به تأسیس مکاتب لیلیه معارف و همچنان تأسیس مجدد «دارالمساکین» که به نام مرستون امروز از طرف سره میاشت اداره می شود با تأسیس کوپراتیف مامورین و کارگران. تمام این اقدامات بدون کمک خارجی و به قوه همان هفت ملیون افغانی سرمایه به عمل آمد، ولی با وجود آن حکومت لازم ندید که این همکاری برای مدتی دوام پیدا کند که تهداب اساس اقتصاد ملی به وجود آید. « دوران داود خان».

نتیجه کار آن شد که بنیاد اقتصاد مملکت که با آن همه زحمت به وسیله سکتور خصوصی پی ریزی شده بود فرو ریخت. این مشکل از آنجا بروز نمود که دولت با تشبث خصوصی مخالف بود و خودش سیستم سوسیالیستی را تبلیغ نموده و با گرایش های سوسیالیستی کنار آمد. «زمان ائتلاف داود خان با کمونیست ها».

از این به بعد این دولت بود که تشبث اقتصادی را در کشور به نام اقتصاد رهبری شده «اکنونومی دیرپزه» به دست خود گرفت و مملکت را در بحر قروض داخلی و خارجی و توسعه انفلاسیون فرو برد و به برهم زدن مقیاس های اقتصادی سوق داد.

هر فعالیت اقتصادی را که تحت کنترل خود درآورد از اداره آن عاجز ماند که در نتیجه عایدات ملی و تولیدات سقوط کرد و صنایع داخلی به علت عدم موجودیت یک روش معین در برابر هجوم واردات مشابه در حال ورشکستگی قرار گرفت و بدین ترتیب پلان پنج ساله سوم با شکست مواجه شده، بیکاری در کشور در حال گسترش بود، رشوه خواری و اختلاس به معیار بی سابقه خود رسیده بود.

این بود یک تصویری که مرحوم عبدالمجید خان زابلی از وضع اقتصادی و سیاسی آن زمان ترسیم نموده مگر موضوع تنها در همین جا خاتمه نمی یابد زیرا نامبرده ذهنیت و روحیه دیکتاتور ها را در رابطه با یک مثال تاریخی دوران مغول ها به بررسی می گیرد و می نویسد که مغول ها برای استمرار حکمرانی خود ارزش های والای اخلاقی اسلامی را تضعیف نموده و به جای آن روحیه زورگوئی، مطلق العنایی، غصب حقوق و تجاوز را حاکم ساختند.

در آن زمان رعیت هرآنچه که داشت متعلق بخودش نبود، بلکه به حاکم تعلق داشت و هر یک از مأمورین مغول که در جایی تقرر می یافت، به غیر از وظیفه رسمی او که جمع آوری مالیات و تأمین امنیت بود، برای مقاصد شخصی خود در پی جمع آوری ثروت بود و از زیردستان تقاضای اطاعت بی چون و چرا داشت و هر که سر مخالفت داشت مجازات می شد. بلی، بدین ترتیب در خاتمه با صراحت میتوان گفت که مرحوم عبدالمجید خان زابلی یک خدمتگار صادق وطن بود که مال، دارائی، لیاقت و استعداد خود را فدائی مملکت نمود و تا اخیر عمر در مقابل نظام های مخرب دیکتاتوری - سوسیالیستی با مخالفت شدید مقابله می نمود. روحشان شاد باشد.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" ایشان رهنمائی شوند!

آیا مرحوم مجید زابلی کمونیست بود؟

[sadozai_m_n_aya_madjid_zabli_comunist_bood.pdf](#)